

## ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری

مقدمه

این نظر که «فضاها» بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند و می‌توانند برای تنظیم رفتار او به کار گرفته شوند امری پذیرفتنی است. اصولاً چنین امکانی وجود دارد که از طریق برنامه‌ریزی و طراحی شهری و از راه ترکیب طرح‌ها با نوعی نظام انتظام دهنده، مراتب ارتقای اخلاقی و اجتماعی افراد جامعه را فراهم ساخت. بنابراین، همان‌گونه که فضاهای شهری می‌توانند با برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی صحیح محل بروز و نمود فضایی انسانی باشند، از جهت دیگر نیز می‌توانند از طریق رهاسدگی و برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌ریزی‌های نادرست و ساده‌انگارانه به مکان بروز انواع جرایم شهری تبدیل گردند.

نظرسنجی‌ای که در ۸ شهر بزرگ کشور اجرا شده است، نشان می‌دهد که ۸۱ درصد شهروندان احساس ناامنی می‌کنند. برخی از عوامل ایجاد ناامنی علل محیطی دارند. از جمله این موارد خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز، فرستادن فرزند به تنهایی به مدرسه، تردد خانم‌ها به تنهایی در شب و قدم زدن در مسیرهای خلوت است. (۱) نتایج نظرسنجی مذکور نشان می‌دهد که به رغم بی‌توجهی به فضاهای شهری نزد متخصصان رشته‌های مرتبط و مدیران اجرایی شهرها، نقش این فضاها و تأثیر آنها در وقوع جرایم شهری حداقل در شهرهای بزرگ کشور یک واقعیت عینی و اثبات شده است.

حبیب‌الله طاهرخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری



نکته دیگری که ذکر آن در مقدمه ضروری است، تبدیل فضاهای بدون دفاع به فضاهای قابل دفاع شهری، آن گونه که به صورت بسته و گریخته در برخی بررسی‌های صورت گرفته در کشورمان بیان شده است، موضوعی سهل و ساده نیست و به محض شناخت این نوع فضاها نمی‌توان امیدوار بود که بلافاصله امکان تبدیل آن به فضاهای قابل دفاع فراهم آید.

#### مفاهیم فضا، فضای شهری، فضای بدون دفاع شهری و جرایم شهری

فرهنگ انگلیسی آکسفورد ۱۹ معنی برای واژه فضا می‌آورد، که از جمله آنها می‌توان به این معانی اشاره کرد: «گستره‌ای پیوسته که در آن اشیاء وجود دارند»، و «بخشی از یک منطقه که اجزاء خاصی آن را اشغال می‌کند یا برای هدف خاصی در اختیار گرفته شده است.» (۲)

ارسطو فضا را با ظرف قیاس می‌کند و آن را جایی خالی می‌داند که بایستی پیرامون آن بسته باشد تا بتواند وجود داشته باشد؛ و در نتیجه همواره برای آن نهاییتی وجود دارد.

نهایتاً فضا را می‌توان به عنوان نظامی میان چیزها در نظر گرفت. به عبارت دیگر فضا مجموعه‌ای از روابطی است که میان نقاط مختلف وجود دارد. نقاط تعریف کننده فضا می‌توانند اشکال گوناگونی به خود بگیرند. همین نقاط و نوع ارتباطات آنهاست که فضای معماری شهری و طبیعی را از یکدیگر متمایز می‌کند. بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین عنصر تعریف کننده و تفکیک کننده فضا از مکان، ارتباط است. تعریف دقیق تری که می‌توان از فضا ارائه کرد، عبارت است از: «مجموعه روابط ادراک شده به صورت متوالی بین نقاط.» (۳)

چنانچه بخواهیم از فضای شهری صرفاً تعریفی کالبدی ارائه دهیم، کلیه مکان‌های مابین ساختمان‌های شهری را می‌توان فضاهای شهری قلمداد کرد. اما دو عنصر ارتباطات و زیبایی‌شناسی ما را از اطلاق تعریف مذکور باز می‌دارد. بنابراین فضای شهری فضای مابین ساختمان‌های شهری است و دارای ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و محل بروز و نمود تعاملات اجتماعی شهروندان است.

بدون شک تعدد تعاریف و ابعاد مفهوم فضا، مفهوم فضای بدون دفاع شهری را نیز متأثر می‌کند. به منظور درک مفهوم فضای بدون دفاع شهری و ارائه تعریفی مشخص از آن ناگزیر از تعریف و تبیین فضاهای مابین و فضاهای عمومی هستیم. هرگاه چند بنا همزمان در حوزه دید ما قرار گیرند، ما روابطی بین آنها احساس می‌کنیم که این روابط تنها از طریق فضاهای بین آنها ایجاد می‌گردد.

بارزترین فضای مابین در شهرها، خیابان است که براساس آن شهر را می‌شناسیم و در واقع مشخص‌ترین خصوصیت هر شهر به شمار می‌آید. به همین دلیل است که خیابان چیزی فراتر از فضایی تهی است که برای

عبور و مرور در نظر گرفته شده است. در برخی از متون از فضاهای مابین به عنوان فضاهای عمومی یاد می‌شود. شدت استفاده از فضا و نوع استفاده از آن فضای عمومی را از فضای خصوصی جدا می‌کند. هرچه ارتباط متقابل عمیق‌تر و بیشتر باشد، محیط شهری تر است. (۴) ارائه تعریفی کالبدی از فضاهای بدون دفاع شهری، آن گونه که مورد استفاده برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرد مشکل می‌نماید. اما می‌توان گفت که هیچ فضای بدون دفاع شهری خارج از حیطه فضای مابین و فضای عمومی شکل نمی‌گیرد. بنابراین تعریف عملکردی که می‌توان از فضاهای بدون دفاع شهری ارائه کرد عبارت است از «فضاهای شهری که نسبت به سایر فضاها قابلیت بیشتری برای وقوع جرایم و تخلفات و اعمال نابهنجار دارند».

مفهوم دیگری که باید تعریفی مشخص از آن ارائه کرد جرایم است که در اینجا نوع خاصی از آن، موسوم به جرایم معمول یا شهری، مورد توجه است. هر چند تعریف خاصی از جرایم معمول ارائه نگردیده است اما ذکر ویژگی‌های این نوع جرایم، حدود و ثغور آن را مشخص خواهد کرد.

اول: جرایم معمول، که اغلب جرایم افراد غریبه نسبت به یکدیگر است.

دوم: وقوع جرایم معمول با اینکه محدود به محیط‌های شهری نیست، بیشتر در شهر اتفاق می‌افتد، با توجه به اینکه غیرشخصی بودن از مشخصه‌های تعریف کننده زندگی شهری است.

سوم: از لحاظ بوم‌شناختی بسیاری از جرایم معمول در خیابان یا خارج از خیابان واقع می‌شود و یا اینکه مجنی از خیابان به حیطه مربوط به مجنی علیه تجاوز می‌کند.

چهارم: بدون آگاهی و یا رضایت کامل قربانی انجام می‌شود. در غیر این صورت در مقابل مقاومت قربانی، اجبار - که معمولاً جسمانی است - به کار گرفته می‌شود.

پنجم: وضعیت این گونه جرایم نتیجتاً تهدیدی فوری به زندگی، تمامیت (جسمی یا جنسی) یا اموال مادی مجنی علیه اعمال می‌کند.

ششم: از آنجا که جرایم معمول غالباً نسبت به بیگانگان انجام می‌شود، هر کسی صرف‌نظر از قومیت، منزلت یا نقش

عمده می‌تواند در مقام قربانی قرار گیرد و این به طور بالقوه هر شهروندی را تهدید می‌کند.

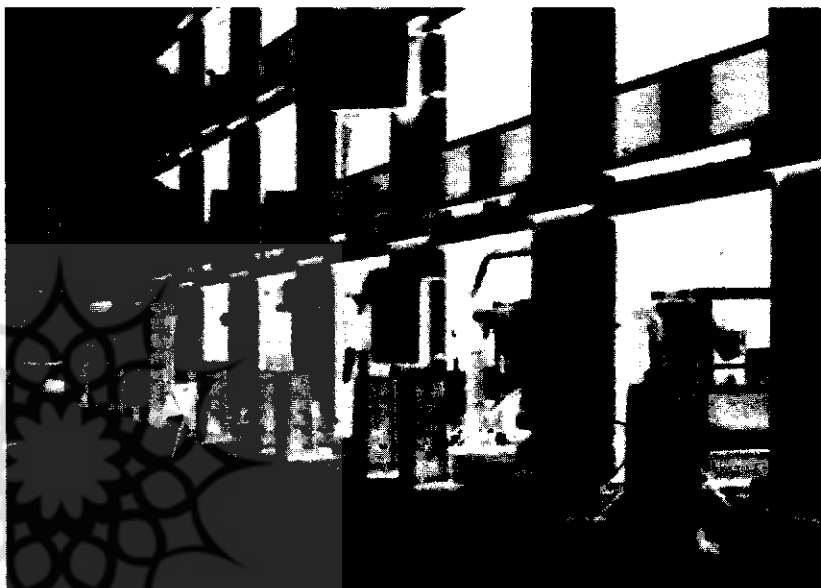
هفتم: افکار عمومی و رسانه‌ها غالباً وقوع جرایم معمول را به عنوان تهدیدی برای «نظم اجتماعی» و «امنیت عمومی» در آشکارترین معنای آن تصور می‌کنند. (۵)

#### نظریه پردازان فضای قابل دفاع

وود (Wood 1960) اولین کسی بود که به رابطه میان جرم و محیط فیزیکی اشاره کرد. او این بحث را مطرح ساخت که چگونه ویژگی‌های ساختاری مربوط به گسترش ساخت منازل عمومی مانع تماس و ارتباط میان ساکنان آن (که زیربنای کنترل اجتماعی غیررسمی است) می‌شود. (۶)

جین جیکابز (۱۹۶۱) منتقد معماری و شهرسازی و عضو هیئت تحریریه مجله آرکی‌تکچرال فورم (Architectural Forum) و معاصر وود، کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکا را به رشته تحریر درآورد و دیدگاه دقیق‌تری را در باره جرم و طراحی کالبدی ارائه داد. او معتقد بود که برای نظارت و مراقبت از خیابان، به چشمانی نیاز است - چشمان کسانی که می‌توان آنها را مالکان طبیعی خیابان نامید. تلاش برای ایجاد امنیت در خیابان‌ها از طریق ایجاد امنیت در سایر عناصر شهری امری بیهوده است. امنیت را باید در خود خیابان و از طریق بهره‌برداران آن ایجاد کرد. آنان نخستین کسانی هستند که از خیابان مراقبت می‌کنند، و به محض آنکه تعدادشان به اندازه کافی باشد به پاسداران خیابان مبدل می‌شوند.

دور کردن کودکان از خیابان‌ها و انتقال آنها به پارک‌ها و زمین‌های بازی، به معنای دور کردن آنها از مراقبت هوشیارانه تعداد بسیاری از بزرگ‌ترهاست. او ایجاد فضاهای قابل دفاع برای کودکان را با فرقی کردن مجموعه‌های مسکونی و ساختن محوطه‌های داخلی در مجموعه‌های مسکونی امری بیهوده می‌داند. به نظر او ناروا بودن این راه‌حل در هر جا که به اجرا درآمده، به اثبات رسیده است. بعد از شش سالگی، هیچ کودکی نمی‌پذیرد که در این محوطه داخلی چنین کسل کننده باقی بماند، بسیاری برآند که هر چه زودتر از آن فرار کنند. امنیت و ایمنی این مکان‌ها نیز به دلیل عدم جریان زندگی شهری در آنها جای ابهام دارد. در واقع خیابان‌های پر جنب و جوش خود در بردارنده جنبه‌های مثبتی برای کودکان هستند و این بازی‌ها حداقل به همان اندازه ایمنی و حفاظت خیالی اهمیت دارند. (۷)





فرمول‌های نظری وود و جیکابز در ذهن یکی از برجسته‌ترین حامیان نظریات ایجاد فضاهای قابل دفاع، یعنی اسکار نیومن (Oscar Newman)، با تأکید بر راه‌حل‌های معماری برای کاهش وقوع جرم متمرکز شده است. نیومن برخلاف پیشینیان خود دقیقاً بر موضوع فضاهای بدون دفاع شهری و ارائه راهکارها برای ایجاد فضاهای قابل دفاع متمرکز گردیده و تألیفاتی در این زمینه داشته است. وی در این زمینه به عرصه عمل نیز نزدیک شده است. برای تشریح دیدگاه‌ها و ابعاد نظری و عملی ایجاد فضاهای قابل دفاع از نظر اسکار نیومن، کنکاش در کتاب «ایجاد فضاهای قابل دفاع» مورد نظر قرار گرفت. از نظر او همه برنامه‌های ایجاد فضای قابل دفاع دارای مقاصد اجتماعی هستند (بیشگیری از بروز جرم). این امر شامل مجموعه تغییراتی در محیط فیزیکی شهرهاست که امکان کنترل فضای اطراف را برای ساکنان فراهم می‌آورد. این برنامه‌ها به مردم در جهت حفاظت از مکان‌های پیرامون شان، و ایجاد محیطی امن برای خود، کمک می‌کند. او در این کتاب به بررسی مسائلی چون تأثیر شکل مسکن در توانمندی ساکنان در کنترل محیط اطراف، تأثیر انواع ساختمان‌ها در رفتار افراد، عوامل اجتماعی و تأثیر آن بر محیط کالبدی و عوامل ترغیب کننده مجرم و بی‌ثباتی می‌پردازد و با انتخاب مجموعه‌های مسکونی از نیویورک و دیتون، توصیه‌هایی عملی را در این زمینه مطرح می‌سازد.

بررسی‌ها و راهکارهای نیومن محدود به مجموعه‌های مسکونی است. اصلی‌ترین پایه نظریه فضای قابل دفاع نیومن، تعریف و حفاظت از مرزهای یک محیط است: جلوی غریبه‌ها را بگیرد تا از جنایت در امان باشید. او حتی بلندمرتبه‌سازی را به دلیل تأثیراتی که این نوع ساختمان‌ها می‌توانند در کنترل معابر ایفا کنند، مورد توجه بیشتری قرار می‌دهد. به نظر او بدین ترتیب چشمان بیشتری ناخودآگاه مراقب خیابان خواهند بود. نوع قرارگیری بلوک‌ها نسبت به هم تأثیر عمده‌ای در گسترش فضاهای عمومی ایفا می‌کند. به نظر او عواملی که نقش ترغیب کننده را برای جرم و بی‌ثباتی دارند، عبارتند از: اندازه بلوک‌ها و واحدهای مسکونی که می‌توانند بیانگر تمرکز خانوارهای دارای درآمد پایین و تعداد زیاد ساکنان در واحدهای مسکونی باشند. این امر موجبات ناآشنایی همسایگان را فراهم می‌سازد و بستری را برای ورود افراد غریب بدون آنکه شناسایی شوند به وجود می‌آورد. بالا بودن نسبت جوانان به سالمندان یکی دیگر از عوامل ترغیب کننده برای وقوع جرم و بی‌ثباتی است. زیرا جوانان معمولاً مرادفات بیشتری با محیط بیرونی دارند. (۸)

همان گونه که ذکر شد، اساس نظریه نیومن در ایجاد فضاهای قابل دفاع، تعریف و حفاظت از مرزهای یک

محیط مسکونی است و حداکثر تلاش او در اتخاذ راهکارها و پیش‌بینی برنامه‌هایی بود که جلوی ورود غریبه‌ها گرفته شود، یا اینکه آنها مورد شناسایی قرار گیرند.

اما در برابر نیومن کسانی نیز بر این اعتقاد بودند که شهر مکان تفاوت‌ها و حضور غریبه‌هاست، و تنها با فراهم آوردن امکان روبرو شدن غریبه‌ها وساکنان یک منطقه می‌توان امنیت داشت، با جداسازی آنها از یکدیگر. هیلپر و هنسون (۱۹۸۴) معتقدند آنچه موجبات ایمنی شهری است حضور کنترل شده غریبه‌هاست، و جریان زندگی شهری خود موجبات امنیت شهری را فراهم می‌آورد. در سکون و عدم جریان زندگی شهری است که فضاهای بدون دفاع شکل می‌گیرند. ایجاد محیط‌های بسته به امید آنکه چشمان ناظری در هنگام وقوع جرم مانع از انجام آن می‌شوند عملی منطقی نیست. علاوه بر این، بر طبق تحقیقات مشخص گردیده است که جوانان آمریکایی در نزدیکی منزل‌شان بیشتر از مناطق دیگر مرتکب جرم می‌شوند. فرق کردن مجموعه‌های مسکونی از وجود سایر افراد، محیط امنی را برای جوانان ساکنان مجموعه برای بزهکاری پدید می‌آورد. کلاً فرض اینکه جرم را غریبه‌ها انجام می‌دهند، پذیرفتنی نیست.

دومین نسل از نظریه‌پردازان طراحی شهری به منظور پیشگیری از جرم با تلفیق متغیرهای اجتماعی و فرهنگی و عوامل محیطی فرضیات واقع‌گرایانه‌تری ارائه کردند. جفری (Jeffery) در ۱۹۷۱ یکی از اولین بنیانگذاران (Crime Prevention Through Environmental Design) از آن به عنوان «عصر جدیدی در ریشه‌های جرم‌شناسی که بر شرایط و اوضاع و احوال محیطی یک جرم بیشتر از مجرم توجه می‌کند»، یاد کرده است.

### پیشگیری از جرم و طراحی شهری

تنها جرم نیست که برای مردم ایجاد مشکل می‌کند، بلکه ترس از وقوع جرم یا همان احساس ناامنی نیز با تأثیرات خاص خود به اندازه خود جرم، جدی و حائز اهمیت است. گزارش کمیته مأمور مطالعه در خشونت و بزهکاری در فرانسه تحت ریاست آلن پرفیت حاکی است: جوامع شهری بیشتر از سایر جوامع وقوع جرم را تسهیل می‌کنند زیرا در شهرها جاذبه‌های اغواکننده برای مجرمان زیادتر، و دور ماندن از کنترل اجتماعی و تعقیب نیز بیشتر است.

اساسی‌ترین اصول GPTED را می‌توان در اصطلاح OTREF (Oppertunity, Target, Risk, Effort) خلاصه کرد. یعنی مزیت ارتکاب جرم تابعی است از تلاش (میزان آن) خطر، هدف و فرصت. این اصول موجب شد که فرضیه مجرم حسابگر پدید آید. یعنی مجرمان کسانی (فرصت‌طلبانی) هستند که منافع حاصل از جرم را با مشکلات و سختی‌های ارتکاب آن و خطر دستگیر شدن یا مورد شناسایی قرار گرفتن می‌سنجند، و سپس دست به ارتکاب جرم می‌زنند. (۹) طراحی شهری و برنامه‌ریزی در اینجاست که می‌تواند از طریق برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های سنجیده و درست، فرصت‌های کالبدی را برای وقوع جرم و خطر وقوع آن، با معنابخشیدن و تناسب دادن بین فرم و کارکرد و معنای شهری، کاهش دهد.

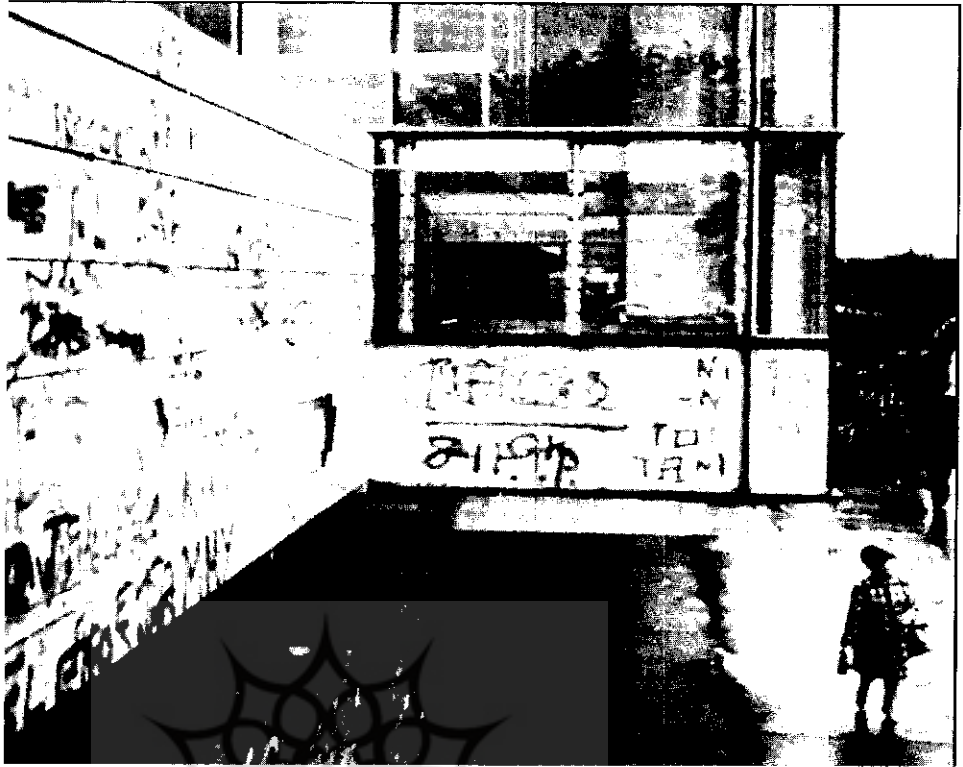
### سن و جنس و فضای بدون دفاع شهری

بدون شک کودکان، سالخورده‌گان و زنان در شهرهای بزرگ، بیشترین قربانیان فضاهای بدون دفاع را تشکیل می‌دهند. آنان به لحاظ فیزیکی آسیب‌پذیری بیشتری دارند. بدین ترتیب بسیاری از فضاهای شهری لزوماً همان هیجانی را که برای مردان دارد، برای زنان ندارد. اگرچه در نزد کودکان احساس ناامنی چندان با مفهوم نیست، اما والدین معمولاً احساس ناامنی خود را در انتخاب نوع تفریحات و فضای بازی کودکان دخیل می‌کنند و نهایتاً کودکان و نوجوانان محکوم به حبس در زندان‌های خانوادگی تحت عنوان خانه می‌گردند و مشغول به بازی‌های کامپیوتری - که ذهن و روح آنها را فرسوده می‌کند - می‌شوند.

موضوعی که برخی نویسندگان فمینیست به آن اشاره می‌کنند، این است که شهرها را به لحاظ تاریخی مردان می‌سازند و متناسب با شرایط خود اداره می‌کنند. زنان در فرایند برنامه‌ریزی شهری و سازماندهی فضای شهری حضور ندارند، یا در حاشیه‌اند. برخی برنامه‌ریزی شهری در قرن نوزدهم را مبارزه سازمان یافته برای حذف زنان، کودکان، طبقات کارگر و فقرا و سالخورده‌گان می‌دانند. در جوامع غربی آمار حمله به زنان، چه به منظور مقاصد جنسی و چه دستبردهای مالی، رقم بالایی را تشکیل می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که در شهر ولوینج بریتانیا ۶۵٪ از زنان از بیرون رفتن در شب، از ترس مورد حمله واقع شدن واهمه دارند، و ۳۶٪ از آنها حتی







در طول روز از بیم آزار بدنی و دزدی می‌ترسند که بیرون بروند. (۱۰) در بسیاری از مناطق درون شهری و مجتمع‌های مسکونی حاشیه شهرها تعداد زیادی از مردم - به خصوص زنان و افراد مسن و بعضی گروه‌های قومی و نژادی - از ترس اینکه قربانی جرم شوند، در وضعیت پراضطرابی زندگی می‌کنند.

نظر خواهی ایزلینگتن (Islington) از مردم در مورد جرم، این استدلال را که ترس از جرم اغراق‌آمیزتر از خطرهای واقعی آن است رد می‌کند. وی چنین استدلال می‌کند که میزان بسیار زیادی از ترس‌هایی که خانم‌ها به آن دچار شده‌اند کاملاً بیجاست. از این نظر خواهی نتیجه گرفته شد که ۷۴٪ خانم‌ها و ۴۰٪ مردان اغلب اوقات در منزل به سر می‌برند. آنها گفته‌اند که خارج نشدن از منزل بارزترین پیامد ترس آنها از وقوع جرم است. سایر اقدامات احتیاطی آنها، دوری جستن از بعضی خیابان‌ها، افراد خاص، وسایل نقلیه عمومی و بالاخره تردد در خارج از منزل به همراه یک مرد است. در این نظر خواهی معلوم شد که ۲۶ درصد زنان ۲۴-۱۶ سال و ۲۷ درصد زنان ۵۴-۲۵ سال و ۶۸ درصد زنان بالای ۵۵ سال شب‌ها تنها از منزل خارج نمی‌شوند. به رغم اینکه افراد مسن در مقایسه با سایر گروه‌های سنی زنان کمتر در معرض خطر وقوع جرم (آزار بدنی) هستند، ولی در میان آنها ترس از جرم بیشتر رواج دارد. هنوز معلوم نیست این امر به خاطر عدم آگاهی صحیح آنها از خطرهایی است که ممکن است متوجه آنها باشد، و یا اینکه به طور کلی پیامدهای قربانی جرم شدن برای آنها سخت‌تر و ناگوارتر است. (۱۱)

نظر سنجی‌های انجام شده در ۸ شهر بزرگ کشورمان نشان می‌دهد که ترس خانم‌ها از تنهایی در شب یکی از عوامل مهم احساس ناامنی از نظر شهروندان محسوب می‌شود. این درحالی است که محیط‌های فعالیت و تفریح برای زنان به شدت محدود است. شب هنگام شهرهای کشورمان کاملاً تبدیل به فضای بدون امنیت برای زنان می‌شود، و این امر امکان فعالیت و استفاده از مرکز تفریحی و فرهنگی را از آنان سلب می‌کند. با کاهش رفت و آمدها و تاریک شدن هوا، نور نامناسب فضاهای شهری و برخی عوامل دیگر کالبدی و اجتماعی دیگر، زنان به شدت آسیب‌پذیر می‌شوند و آنان معمولاً بدون حضور مرد همراه امکان حضور در فضاهای شهری را نمی‌یابند.

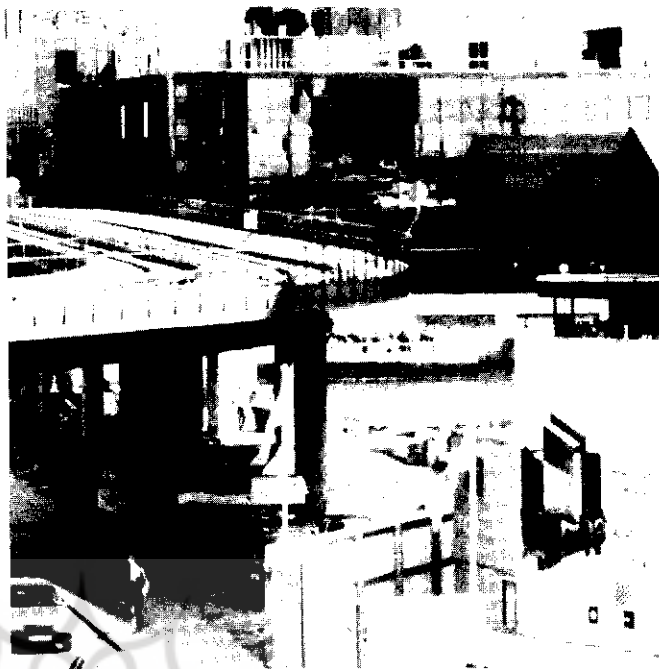
چرایم برصده زنان در کشور ما اغلب به دلیل ساختار مذهبی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن، گزارش نمی‌شوند و یا حتی زنان از بیان تجربه‌های خود در این زمینه به نزدیکان خود نیز شرم دارند. ولی آثار آزار جنسی و حمله به اغراض مادی از لحاظ روانی برای این زنان بسیار در داور و وحشتناک است. با تغییر نقش سنتی زنان و اهمیت یافتن هر چه بیشتر آنان در اقتصاد رسمی، باید بیشتر به سوی سازماندهی الگوهای بهتر برای ایجاد تحرک پذیری گسترده‌تر پیش رفت. در حاشیه قرار گرفتن زنان بر اثر ایجاد فضای نامناسب ظلمی مضاعف بر زنان جامعه شهری است در حالی که محدودیت استفاده از امکانات فرهنگی، تفریحی و اقتصادی نیز در این میان وجود دارد.

**کار کردها و عوامل شکل‌گیری فضای بدون دفاع شهری**  
فضاهای بدون دفاع شهری عموماً بر اثر سه عامل شکل می‌گیرند:

#### الف - عدم سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی

هر فضای کالبدی به منظور جای دادن فعالیتی معین، برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های استفاده‌کنندگان پدید می‌آید و شکل آن علاوه بر مشروط شدن به وسیله عوامل مذکور، تحت تأثیر عوامل دیگری چون ویژگی‌های محیط طبیعی، اجتماعی، امکانات فنی و فرهنگ حاکم بر جامعه قرار می‌گیرد. پس با توجه به این اصل که هر فعالیتی باید در عرصه‌ای دارای ویژگی‌های کالبدی و معنایی مشخص و متناسب با آن فعالیت انجام پذیرد، می‌توان به رابطه بین فرم و عملکرد و معنی پی برد. این رابطه باید به گونه‌ای باشد که کالبد فیزیکی (فرم) توانایی جوابگویی به کارکرد و معنی را تماماً دارا باشد.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری فضاهای بدون دفاع شهری، عدم سازگاری بین فرم و کارکرد و معنی است و تبدیل فضاهای بدون دفاع شهری که بر اثر این عامل پدید آمده‌اند، با مشکلات و چالش‌های عمیقی روبروست. پدید آوردن سازگاری بین فرم و کارکرد سهل‌تر از معنی دادن و هویت‌بخشی به فضاهای شهری است. صرفاً ایجاد سازگاری بین فرم و کارکرد برای ایجاد



فضاهای قابل دفاع، هر چند شرط لازم است اما کافی نیست، بلکه آنچه قابل دفاع بودن فضاهای شهری را تضمین می‌کند معنی‌دار بودن آنهاست.

#### ب - فضاهای بدون کارکرد یا دارای کارکرد متناوب

فضاهای بدون کارکرد در شهرهای بزرگ، به دلیل بورس بازی اراضی شهری و مطرح شدن زمین به عنوان سرمایه‌ای قابل اعتماد و سودآور، بسیار گسترده است. شرایط این گونه فضاهای بدون کارکرد در کنار عوامل دیگر زمینه را برای وقوع جرایم در آن فضا فراهم می‌آورد. ساختمان‌های متروک، پروژه‌های عمرانی نیمه تمام که بنابه دلایلی ساخت آنها متوقف شده، ساختمان‌های خالی از جمله فضاهای بدون کارکرد محسوب می‌گردند و زمینه را برای بروز جرایم شهری فراهم می‌آورند. یکی دیگر از انواع فضاهای بدون دفاع در این رده، فضاهایی هستند که دارای کارکرد متناوب‌اند و در مقاطعی از روز یا فصل یا سال تبدیل به فضاهای مرده می‌شوند.

#### ج - نبود رؤیت بصری

فضاهای گم، همان گونه که از نام‌شان برمی‌آید، فضاهایی هستند که بنابر دلایل کالبدی فضاهایی خارج از دید محسوب می‌شوند. عدم امکان رؤیت بصری به علت نبود روشنایی، و آشکار نشدن فرم به علت تاریکی، اولین گام به سوی ایجاد فضای بدون دفاع است.

#### نتیجه‌گیری

قبل از بحث در خصوص برنامه‌ها و شیوه‌های ایجاد فضای قابل دفاع، پاسخگویی به یک سؤال ضروری است: آیا ابزار برنامه‌ریزی و طراحی شهری به منظور کاهش وقوع جرایم شهری در جایی که فقر، فرصت‌های محدود و تبعیضات ناروا برای افراد وجود دارد، مؤثر است؟ بدون شک با وجود این عوامل، کارایی ابزارهای طراحی و برنامه‌ریزی شهری کاهش می‌یابد اما هدف برنامه‌های ایجاد فضاهای قابل دفاع، کاهش امکان بروز جرایم شهری از طریق ساماندهی عوامل کالبدی - فیزیکی بروز این نوع جرایم است، و در خصوص سایر عوامل پدید آورنده جرایم وظیفه‌ای ندارد.

اما موضوع بسیار با اهمیت‌تر، تفاوت دیدگاه‌ها و نگرش‌ها در خصوص برنامه‌های ایجاد فضاهای قابل دفاع است. در این زمینه می‌توان دیدگاه‌ها را در دو دسته طبقه‌بندی کرد.

در دیدگاه اول اسکار نیومن و جفری مبدع برنامه پیشگیری از جرم و طراحی محیطی (GPTED) در قرار می‌گیرند. مهم‌ترین ویژگی این دیدگاه این است که حیظه‌های مورد عمل غالباً به مجموعه‌های مسکونی محدود می‌شود و شامل کل فضای شهری نمی‌گردد.

دیدگاه دوم، که نظریات جین جیکاز در این قالب قرار می‌گیرد، اعتقاد دارد طریق ایجاد تناسب بین فرم و کارآمد نمی‌توان موفق به ایجاد فضاهای قابل دفاع گردید. طرح‌هایی که با فرقی کردن محیط‌های مسکونی و محوطه‌سازی و ایجاد فضاهای بازی برای کودکان سعی ایجاد محیط امن دارند. عملاً ناکارآمد هستند، زیرا

تجربه نشان داده است که کودکان و نوجوانان به این محیط‌های خشک و بی‌روح محدود نمی‌گردند. جین جیکابز زمان کودکی خود را به یاد می‌آورد که چگونه کودکان در کنار خیابان‌ها به بازی می‌پرداختند و سالمندان و زنان در کنار آنها به رتق و فتق امور روزانه و برقراری ارتباطات اجتماعی مشغول بودند. این دیدگاه معتقد به معنا بخشیدن به فضاهای شهری - برای قابل دفاع کردن این گونه فضاها - است؛ اما چگونگی معنا بخشی و هویت دادن به این فضاها در آن دقیقاً تبیین و ترسیم نمی‌گردد.

ایجاد فضاهای قابل دفاع در شهرها منوط به ایجاد سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی است. فضای قابل دفاع ضمن دارا بودن ویژگی سازگاری بین فرم و کارکرد (عملکرد) نیازمند هویت و معنای خاصی است که حیات و پویایی را در فضای شهری تضمین کند. اگر چه سازگاری بین فرم و کارکرد در ایجاد فضاهای قابل دفاع امری لازم است، اما کافی نیست. معنی بخشی به فضاهای شهری، این فضاها را تبدیل به فضای تعاملات اجتماعی و فرهنگی می‌کند و مهم‌ترین مانع را در بروز جرایم شهری فراهم می‌آورد.

فضاهای شهرهای قدیمی ایران واجد خصلت سازگاری بین فرم و کارکرد، و مهم‌تر از همه معنای متمایز و منحصر به فرد فضاهای شهری بودند. ساختار و بافت این شهرها امکان ایجاد فضاهای بدون دفاع را از بین می‌برد. در شهرهای ایرانی حتی تا چند دهه گذشته با شکل‌گیری محله‌های مسکونی با ویژگی‌هایی متمایز از آنچه در مجموعه‌های مسکونی اسکان نیومن پیشنهاد می‌شود، محیط ایمنی برای این اقشار فراهم می‌شد. این محله‌ها صرفاً به نیاز مسکونی ساکنان پاسخ نمی‌دادند بلکه امکان تأمین مایحتاج روزانه خانواده‌ها را نیز فراهم می‌ساختند. میدان‌ها و معابر نیز محلی برای شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی مطلوب بودند. مهم‌ترین اصل اسکان نیومن در ایجاد فضاهای قابل دفاع در مجموعه‌های مسکونی (جلوی غریبه‌ها را بگیرد تا درامان باشی)، در محله‌های مسکونی شهرهای ایرانی متبلور بوده است. به علاوه اینکه، این محله‌ها به دلیل پذیرش نقش‌های فراتر از سکونت صرف، فضای پویا و زنده‌ای را برای ساکنان‌شان - به خصوص کودکان، زنان و سالمندان - ایجاد می‌کردند. ساختار و بافت شهرهای ایرانی و ایمنی شهری در سایر فضاهای شهری غیر از محله‌های مسکونی نیز پاسخ مشخص داده بود. با تفکیک کارکردهای فضایی راه‌های شهری (شهری، ناحیه‌ای، محله‌ای، همسایگی) و بازار (بازارهای دائمی، ادواری، بازار گاه‌های شهری، بازارچه‌ها)، میدان‌ها (برون شهری، شهری، ناحیه‌ای، محله‌ای و همسایگی)، دروازه‌های بیرونی و درونی (حکومتی، محله‌ای، بازار)، ورودی‌ها (ورودی‌های اصلی و فرعی)، تمام فضای شهری به فضای قابل دفاع و پویا تبدیل می‌گردید. بدون شک ویژگی‌های معماری ایرانی به عنوان الگویی برای ایجاد فضاهای قابل دفاع، در خور بررسی و تشریح است. متأسفانه شهرهای بزرگ به شدت به سمت کاهش امنیت شهری و گسترش فضاهای قابل دفاع پیش می‌روند و هیچ برنامه‌ای برای توقف این موضوع مشاهده نمی‌گردد.

منابع:

- ۱- روزنامه جام جم، سال دوم شماره ۵۵۸، ۲۹ فروردین ۱۳۸۱
- ۲- مدنی پور، عمی اطراحي فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهر تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۳- پاکزاد، جهان‌شاه، فضای معماری، براساس نظریه پرسنور بورگر بوردک
- ۴- بورگر، گروتز دیباختن در معماری، ترجمه دکتر جهان‌شاه، پاکزاد و مهندس عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵
- ۵- هومانز و گوئر، بوند یا، جرایم شهری، ترجمه دکتر فاضله گویچیان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۶- لوریجیو و بولیس، پیشگیری از جرم و ساختار محیط، ترجمه رضا پرویزی، ماهنامه امنیت، سال چهارم، شماره بارده و دوازده، ۱۳۷۹
- ۷- فرانسوز شوائ، شهرسازی نخیلات و واقعیات، ترجمه سید محسن حبیبی، نشرات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵

8- Newman, Osear; Greeting Defensible Space, U.S. Department of Housing and Urban Development April 1996.

۹- لوریجیو و یونیس، همان

۱۰- مدنی پور، علی، همان، ص ۱۲۹-۱۲۴

۱۱- نجابتی، مهدی، نقش طراحی صحیح واحدهای مسکونی در پیشگیری از وقوع جرم: ماهنامه امنیت، سال چهارم، شماره پانزدهم و شانزدهم، ۱۳۷۹

۱۲- بوذرنجی، مصطفی، فضاهای بدون دفاع شهری، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول، ۱۳۷۶